اَلْمُعْجَم

أَحْضَرَ : آورد ، حاضر کرد
اَلْأَصنام : بت‌ها «مفرد: اَلصَّنَم»
أَقِمْ وَجْهَكَ : روی بیاور
(ماضی: أَقامَ/ مضارع: يُقيمُ)
بَدَؤوا يَتَهامَسونَ : شروع به پچ‌پچ کردند
(ماضی: تَهامَسَ/ مضارع: يَتَهامَسُ)
اَلتَّجَنُّب : دوری کردن
(ماضی: تَجَنَّبَ/ مضارع: يَتَجَنَّبُ)

حَرَّقَ : سوزاند
اَلْحَنيف : یکتاپرست
اَلسُّدىٰ : بیهوده و پوچ
اَلسّيرَة : روش و کردار، سرگذشت
اَلشَّعائِر : مراسم
اَلصِّراع : کشمکش = اَلنِّزاع ≠ اَلسِّلْم
عَلَّقَ : آویخت
اَلْفَأْس : تبر «جمع: اَلْفُؤوس»

اَلْقَرابين: قربانی‌ها «مفرد: اَلْقُرْبان»
اَلْكَتِف ، اَلْكِتْف : شانه «جمع: اَلْأَكتاف»
كَسَّرَ : شکست
اَلنُّقوش : کنده‌کاری‌ها ، نگاره‌ها «مفرد: اَلنَّقْش»

معین کن درست و اشتباه را بر طبق متن درس

عَيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ.

✓	✗	
		هدف از تقدیم قربانی‌ها برای خدایان، کسب رضایت آنها و دوری از بدی آنها بود.
✓		١ــ كانَ الْهَدَفُ مِن تَقديمِ الْقَرابينِ لِلْآلِهَة، كَسْبَ رِضاها وَ تَجَنُّبَ شَرِّها.
	✗	ابراهیم (ع) بتان را بر دوش کوچکترین بت‌ها گذاشت.
	✗	٢ــ عَلَّقَ إبراهيمُ عليه‌السلام الْفَأسَ عَلىٰ كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنامِ.
✓		نبود برای (نداشتند) بعضی از ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت.
		٣ــ لَم يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعوبِ دينٌ أَوْ طَريقَةٌ لِلْعِبادَةِ.
✓		آثار باستانی تأکید می‌کنند بر توجه مردم به دین.
		٤ــ اَلْآثارُ الْقَديمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمامَ الْإنسانِ بِالدّينِ.
✓		همانا دینداری فطری است در انسان.
		٥ــ إنَّ التَّدَيُّنَ فِطْريٌّ فِي الْإنسانِ.
✓		رها نمی‌کند خداوند انسان را بیهوده.
		٦ــ لا يَتْرُكُ اللّهُ الْإنسانَ سُدىً.